راه هاي حج در دوره صفويه

اسرا دوغان

در موسم حج گـزاري ، كه دولت عثماني ميزبان آن بود ، محمل روم ، مصر و يمن به سوي حجاز حركت مي كردند . ( 1 ) تا سال 1301 ، محمل مصر از راه عقبه و يا از راه القصير به وسيله كشتي به سوئز مي رفت . ( 2 )

مهمترين سفرنامه اي كه در اوايل دوره عثماني نوشته شد ، سفرنامه اوليا چلبي است . سفرنامه او ، از ارزشمندترين سفرنامه هاي قرن 11 به شمار مي رود . اوليا چلبي 1020 در استانبول به دنيا آمد و تمام عمر خود را در سفر سپري كرد .

سومين جلد از سفرنامه ده جلديِ او ، از استانبول تا شام را شرح داده و مسير او همان است كه حجاج شام از آن جا به مكه مي رفتند . اين سفر اوليا چلبي در 1087 هجري ، در زمان سلطان محمود چهارم ، پادشاه عثماني انجام شده و از تمام شهرها و زيارتگاه هاي ميان راه ، در سفرنامه او ياد شده است . در مجلد 9 و 10 ، سفر وي به حجاز ، سپس به مصر و سودان نوشته شده است .

اوليا چلبي در 1088ق . در سن 60 سالگي ، به همراه صرّه همايوني از استانبول حركت كرده و تا آدانا به همراه صرّه پيش رفته است . او تمام جزئيات مربوط به اخراج صرّه ، حركت ، جشن ها و ساختار سفر را در كتاب خود آورده است .

چلبي در آلمنه از كاروان جدا شد و به راهي ديگر به مرعش و عين تاب ، كه شهرهاي مهم آن دوره بودند ، رفت . از آنجا به حلب و بيروت و قدس عزيمت نمود .

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . « اگرچه در اين دوره مسير يمن نيز مورد استفاده حجاج بوده ، ليكن در خصوص آن ، اسناد چنداني در دست ما نيست .

2 . تاريخ مكه ، احمد سباعي ، ج2 ، صص395 و 398

98

اوليا ، قصد داشت در قدس به كاروان مصر ملحق شده ، همراه آن به حج برود ، ولي در آن سال به دستور پادشاه ، كاروان ده روز زودتر به راه افتاد . به همين خاطر وي مجبور شد با كاروان شام به مكه برود . حسين پاشا ، پاشاي شام ، نيازهاي او و همراهانش را از شام تا مكه تأمين كرد .

چلبي در بيست شوال سال 1081هـ . از شام حركت كرد و به همراه هزار نفر از حجاج ايراني كه به كاروان شام پيوسته بودند ، به شهر مكه عزيمت نمود . او مي نويسد : از هر حاجي ايراني 15 سكه طلا مي گرفتند .

سفرنامه اوليا چلبي مفصل ترين نوشته در خصوص مكه و مدينه است . اوليا چلبي مسير آناتولي را نيز براي ما شرح داده است . ( 1 )

در اينجا شرح مسير آناتولي و ارسال صرّه همايوني ، از آنجا به مكه ، و حج گزاري عثمانيان و مسير حركت حجاج عثماني ، موضوعِ بحث ما نيست ، ليكن از آنجا كه اوليا چلبي در سفر خود از اين مسير نيز گذشته ، شرح مختصري در اين خصوص ارائه مي كنيم :

راه حج آناتولي ، مسير سمت راست از ميان سه مسير تردّد چاپارها بود . ( اين تعريف براساس حركت مسافر در حالت پشت به استانبول بيان شده است ) . اين مسير با گذر آناتولي از شمال غرب به جنوب شرق ، به حلب و شام متصل مي شد . راه استانبول ـ مكه ، يكي از هفت مسير ارتباطيِ موجود در زمان امپراتوري عثماني بود و به احتمال زياد يكي از پر رفت و آمدترين راه هاي چاپار نيز بوده است . اين راه ، جاده اصلي ارتباطي بين پايتخت و اماكن مقدس به شمار مي آمد .

صرّه تا سال 1281 از راه خشكي بهوسيله قاطر و شتر به حجاز فرستاده مي شد .

از اين تاريخ به بعد ، از راه دريا و با كشتي ارسال شده و تا سال1327 ادامه داشت . از سال 1327 ، پس از احداث راه آهن حجاز ، صره اي كه قبلاً به طور معمول در دوازدهم ماه رجب ، از راه خشكي ارسال مي شد ، از مسير دريا به خاطر كوتاهتر شدن راه ، در پانزده شعبان ارسال شد .

دولت عثماني به همان اندازه كه به راه هاي نظامي توجه مي كرد ، به راه هاي حج نيز اهميت مي داد . اين راه هميشه مورد توجه و عنايت خاص خيّرين و نيكوكاران بود . حفاظت از اين راه به عهده تشكيلات

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . 1 - Evliya Celebi seyahethamesi, Ucdal Nesriyat, c . X, Istanbul 1986 .

156 Derbend Teskilati, C . Orhunlu, Istanbul, 1967, s . 24 .

157 Surre-i Humayun Munir Atalar, TDV, Istanbul s . . 234 .

99

دربند قرار داشت .

اين جاده در طول هشت ماه از سال ، مسير رفت و آمد حجاج بود . طول مسير ميان شام و مدينه 247 ساعت ، مسير ميان شام و مكه 61 روز و راه بين مكه و مدينه 106 ساعت بود .

كاروان هايي كه از شام و مصر حركت مي كردند و حجاج و اشيا و اسباب به همراه خود مي بردند ، كاروان هاي سنگين تلقّي مي شدند . اين كاروان ها در فصل سرما ، فقط روزها حركت مي كردند . كاروان شام شامل شصت تا هفتاد هزار نفر بود و كاروان مصر از چهل تا پنجاه هزار حاجي تشكيل مي شد . كاروان ها در طول شب راه مي رفتند و كاروان صُرّه ( كيسه هاي حاوي پول براي فقراي مكه و مدينه ) ، هدايا براي شريف را با خود حمل مي كرد . اين صرّه به شدت از طرف يئني چري ها محافظت مي شد . ليكن با اين وجود ، در بعضي موارد ، از حمله قبايل غارتگر عرب در امان نمي ماند .

1 . مسير حج ايرانيان

ايرانيان دو راه عمده براي حج داشتند ؛ هر چند اين دو راه ، گاه به چند راه فرعي منتهي مي شد ؛ راه جبل از بغداد يا بصره به سمت حجاز و راه شام . راه اول نزديك اما پر خطر بود و راه دوم بسيار دورتر اما كم خطر و زير نظارت دولت عثماني . هر دو راه مشكلات جانبي هم داشت و گاه اين مشكلات سبب تعطيلي حج مي شد . نامه زير نشان گر مشكلاتي است كه در راه جبل وجود داشته و ما پيش از بحث از راه هاي حج ايراني ها ، آن را به عنوان يك سند ، كه مي تواند زمينه اين بحث باشد ، مي آوريم :

شاه عباس دوم ( م 1077 ) نامه اي در باره امنيت راه حج به شريف مكه فرستاد . در اين نامه آمده است :

چند سال قبل سلطان ايران شنيد كه قافله هاي حج و عمره ، كه از ايران به مكه اعزام مي شدند ، در راه گرفتار صدمات مالي و جسمي فراواني شده و بلاياي عظيمي از جهات مختلف بر آنان فرود مي آيد ، به خاطر اهمال مباشرين راه ، نسبت به ورود و خروج و ايجاد تأخير در حركت كاروان ها و به سبب توقفاتي كه اعراب ميان راه ايجاد مي كنند . در برخي سال ها زمان حج از ايران فوت مي شود ؛ چرا كه آنان موقف عرفه و مشعر را درك نمي كنند . به همين دليل از سوي سلطان ايران فرمان تعطيلي حج و منع قافله ها صادر شد ؛

100

كاري كه براساس امتثال دستور خداوند و ملاحظه حال رعيت بود . امسال حاكم بصره نماينده اي نزد ما فرستاد و از ما خواست تا به كاروان ها اجازه حركت دهيم . او متعهد شد تا حجاج را به سلامت تا مكه برساند . از آنجا كه مأموران بزرگوار شما هميشه در رعايت حال حجاج و زوار بهويژه زائراني كه اهل بلاد و شهرهاي ما هستند ، مي كوشند و از هيچ كوششي در حفاظت جان و مال آنان دريغ ( نمي كنند ) و اجازه نمي دهند كه از سوي احدي به آنان آزار و ستمي برود . ما هم دستور داديم كه از هر نفر پنج سكه طلا گرفته شده و بر سبيل نذر و هديه به شما پرداخته شود تا رشته هاي محبّت استوار شده و تسكين بر رنج و مشقت باشد كه در اين خدمت خود متحمّل مي شويد .

طريق اخلاص و دوستي كه پيوسته آن دستگاه شريف با اين دولت عليّه صفوي دارد ، اقتضا مي كند تا در اكرام به قافله ها ، كه از طريق بصره مي آيند كوتاهي نكرده ، دست اهل مكه را از تجاوز به آنان بازدارند ؛ چون آنان ميهمان خدا و شمايند و كرامت در حق ميهمان ، از سنن اسلاف بزرگوار شماست و اجازه ندهيد كسي آنان را مجبور كند تا از راه ديگر برگردند كه در سال هاي پيش ، از اين بابت ضررهاي زيادي پيش آمده است . اگر بر شروط خود باقي مانده و چيزي از آن را تغيير ندادند و قافله ها را همانگونه كه ملتزم شدند حركت داده و از شرّ اعراب حفظ كرده ، در وقت مناسب آنان را به مكه رساندند ، از همان راهي كه برده اند ، بازگردند ، طبيعي است كه در اين صورت راه حج در تمام بلاد و براي همه كاروان ها ، از هر نقطه باز است و هر سال بيشتر و بيشتر خواهد شد . اما اگر به شروط خود پاي بند نباشند ، در اين صورت ما به لحاظ شرعي ، به احدي اجازه حركت در اين مسير را ندهيم و آن نواحي را از اين همه فوايد محروم گردانيم . گناه آن هم بر عهده كساني است كه شروط را عوض كردند و آنان پاداش عمل خود را مي بينند . » ( 1 )

مسيرهاي انتخابي ايرانيان

مسير آناتولي :

اين مسير ، از وان به طرف وسط غرب

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . مناسبات اصفهان و حجاز ، ص229

101

آناتولي بيرجينك به حلب و مسير رسمي شام به مكه است .

حجاجي كه از داخل آناتولي و از مسير فوق و ساير راه هاي غير رسمي به سمت شام مي رفتند ، امنيت و تضمينات لازم را از طرف دولت عثماني دريافت نمي كردند ؛ زيرا عثماني ها فقط مسير رسمي حج را تحت الحمايه خود داشتند و اين مسير ، از طرف دولت عثماني ، به عنوان مسير حج شناخته نمي شد . مسير رسمي آناتولي از استانبول آغاز و به اسكودار ، ازنيق ، اسكي شهر ، قونيه ، آدانا ، طرسوس و حلب منتهي مي شد . در نيمه نخست قرن دوازدهم هجري ، بانويي از اين مسير به حج رفته و خطرهاي موجود در اين راه را نقل كرده است . اين بانو از دارالسلطنه اصفهان به راه افتاد و مسير كاشان ، قم ، ساوه ، قزوين ، سلطانيه ، زنجان ، ميانه ، تبريز ، اردوباد ، نخجوان و ايروان را طي كرده و وارد كشور عثماني گرديده است .

او در كتاب خود ، كه به صورت منظوم است ، حمله روميان به كاروان خود را ذكر كرده و درگيري ها و مشكلات مسير ، از كنار رود فرات تا حلب را شرح داده است . اين امر نشان مي دهد كه در آن دوره ، مسير آناتولي براي حجاج ايراني امنيت لازم را نداشته است . او در مورد درگيري عجم آقاسي با مهاجمان ميان ارز روم و ارزينجان ، معلومات كاملي ارائه مي كند . اين امر در واقع درگيري و نزاع صرف نبود ، بلكه جنگي بود كه بانوي اصفهاني آن را به زباني شيوا آورده است . ( 1 )

راهپيمايي كاروان در كنار مسير فرات و سختي هاي گذر از رود ، دشواري هاي سفر با شتر ، باريكي راه و اذيت هاي موجود در اين مسير را مي توان از زبان اين بانو دريافت .

غير از مطالبي كه گذشت ، در خصوص نا امني مسير حج آناتولي شرقي ، معلومات ديگري نيز در دست داريم .

شاه قلي بابا تكه اي و همراهانش در

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . بانوي اصفهاني در دوره صفوي ، ص51

102

فرار به سمت ايران ، به جهت درگيري با دولت عثماني ، در سر راه خود يك كاروان ايراني را كه از ارزروم به حجاز مي رفت ، مورد تاخت و تاز و چپاول قرار دادند و تمام افراد آن ، بهويژه شيخ ابراهيم شبستري ، مؤلف « انبيا نامه » را به قتل رساندند . از اين رو در ورود به ايران ، از طرف شاه اسماعيل مورد سرزنش قرار گرفته ، مجازات شدند . تكه اي هايي كه در قلمرو ايران پراكنده شده بودند ، بعدها در زمان شاه طهماسب اول ، روابط حسنه اي با دولت عثماني داشته و در زمان شاه عباس اول ، سر به شورش برداشتند و به آن سوي خزر كوچ كردند و با ديگر تركمن هاي ماوراي خزر متحد شدند . ( 1 )

حجاج ايراني كه عازم مكه بودند ، گاه براي رسيدن به درياي سياه ، از مسير بيابان نيز استفاده مي كردند . ( 2 ) اين مسير با گذر از شمال درياي خزر و بيابان هاي موجود در راه ، به درياي سياه متصل مي شد .

مسير مذكور همان بوده كه حجاج تركستان در رفتن به مكه استفاده مي كردند . با توجه به اين كه حجاج اين مسير بسيار اندك بوده اند ، به نظر مي آيد در زمان وخامت روابط ميان صفويان و عثماني ها ، حجاج احتمالاً از اين راه به مكه مي رفتند ؛ زيرا در خصوص آن معلوماتي در اختيار نداريم . ايرانيان همانند حجاج تركستان از اين طريق به راه افتاده ، پس از عبور از بيابان هاي مسير ، به درياي خزر مي رسيدند . آنان در آستارا خان اتراق كرده ، سپس به بنادر عثماني در شمال درياي سياه ، مانند كفه و اؤزو آمده و براي ملحق شدن به كاروان هاي حج به استانبول مي رفتند .

بي شك در اين دوره ، گروه هاي بسياري از مردم نيز به تنهايي و بدون حمايت كاروان هاي رسميِ حج ، به مكه مي رفتند .

در سده شانزدهم و اوايل سده هفدهم ميلادي ، در باره مسير و كاروان حج مصر ، معلومات زيادي وجود دارد . حجاج شمال آفريقا ( مراكش ، مغرب ، تونس و الجزائر ) از راه دريا و يا خشكي به مصر مي آمدند و پس از حركت از قاهره ، از راه خشكي عقبه به مكه مي رفتند و يا از راه دريا به اين شهر مي رسيدند .

عبدالقادر بن محمدبن عبدالقادر بن محمد انصاري الجزري الحنبلي ( متوفاي 977 ) در كتاب خود ، در باره مسير مصر و كاروان آن و محمل حج ، معلومات زيادي را بيان كرده است . ( 3 ) از آنجا كه او و پدرش از اين مسير به سفر حج مي رفتند ، اين راه را

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . Tekeliler ve Teke Ogullari ,Sehabeddin Tekindag, s . 5-59, IUEFTED, Istanbul1977 .

2 . Hacilar ve Sultanlar, s . 155

3 . الدرر الفرائد المنظمه في أخبار الحج والطريق المكة المعظمه ، ج1 و 2 ، دارالكتب العلميه ، بيروت ، تحقيق محمد حسن اسماعيل ، 2002

103

به خوبي مي شناخت . او در جلد دوم كتاب خود ، راهنما و منازل مسير مصر و حوادث نيمه دوم قرن دهم هجري را به تفصيل آورده است . وي در كتابش به فرستادن محمل از حلب و كرك در بعضي سال ها نيز اشاره كرده است .

الجزري محمل مصر و شام را توصيف كرده ، مي گويد : محمل يمن به هيچوجه قابل مقايسه با اين محمل ها نيست . او چهار مسيري را كه از مصر به مكه وجود داشت ، شرح مي دهد . ( 1 ) الجزري بعد از ترسيم مفصل مسير شام ، به شرح منازل مسير عراق ـ مكه در آن دوره مي پردازد .

وي در كتابش گزارشي را كه احمد بن محمدالمغربي گرانادايي در مورد مسير حج عراق به مكه نوشته بود ، جاي داده است . ( 2 ) الجزري در كتاب خود ، به نقل از كتاب « الممالك » علامه ابن فضل الله العمري ، اين مسير را وحشي ترين راه در بين تمام راه هاي حج توصيف مي كند . ( 3 )

او در تصوير حج سال 678 ، وجود چهل هزار حاجي مصري و در عين حال حضور همان تعداد حاجي سوري و عراقي را ذكر مي كند .

ابو سالم عبدالله بن محمد عياشي در سال 1072هـ . از وطن خود الجزاير حركت كرد و پس از عبور از تونس و ليبي ، به اسكندريه آمد . او از اسكندريه به راه نيل به ينبع آمده ، سپس از راه خشكي به مكه رفت . از آنجا به مدينه و در يكم ربيع الثاني از مدينه به رمله فلسطين حركت كرد . پس از زيارت قدس در سال 1074هـ . به كشور خود بازگشت . ( 4 )

در قرن 17 ميلادي ، يك حاجي مسيحي ، سفري را كه به همراه ساير حجاج مسيحي به قدس داشت ، وصف مي كند . سيمون لهستاني در بين سال هاي 29 ـ 1017 از استانبول حركت كرده ، ابتدا به قاهره آمده و از آنجا به محمل شام ، كه به سمت مكه حركت مي كرد ، ملحق شد .

او در شهر رمله ، از اين كاروان جدا شد و به همراه همسفران خود به طرف قدس و حلب رفت . او تمام حوادثِ به راه افتادن محمل ، جشن هاي مربوط به آن ، ساختار كاروان حج ، دشواري هاي سفر ، مسيرهاي حركت و به طور خلاصه ، ارسال محمل از مصر به مكه را شرح مي دهد . ( 5 )

2 . مسير شام

در مورد كاروان حج شام در قرن 16 و اوايل قرن 17 ميلادي ، هيچگونه سند مكتوبي در اختيار نداريم . بعد از اين تاريخ ،

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . همان ، ص57

2 . همان كتاب ، صص 80 ـ 73

3 . همان ، ص70

4 . المدينة المنوره في رحلة العيّاشي ، به كوشش محمد امحزون ، دارالارقام ، كويت ، 1980 ، ص50

5 . 167 Polonyali Simon'un Seyahetnamesi ( 1608-1619 ) , Hrand, d . Endreasyan,Istanbul Unvrersitesi Yayilari, 1964 .

104

معلومات ، اسناد و سفرنامه هاي زيادي در مورد كاروان شام به ثبت رسيده است . كاروان شام ، كاروان بسيار بزرگي بود . ابتدا حجاج بالكان به استانبول مي رسيدند . جمعيت حجاج عثماني هم اجتماع كرده و پس از آن كه همه در اسكودار جمع مي شدند ، همراه صرّه همايوني حركت كرده ، به ازنيق ، اسكي شهر ، قونيه ، آدانا ، طرسوس و سرانجام به حلب مي رسيدند .

حجاج ايران ، عراق و بلاد شام در دمشق گرد هم مي آمدند و پانزده روز در آنجا جشن مي گرفتند و از راه زرقا ، قطرانه ، معان ، تبوك و علا به مدينه رفته و از آنجا راهيِ مكه مي شدند .

از كساني كه در دوره صفويه ، از راه شام به حج رفت ، بانوي اصفهاني بود كه پيشتر اشاره شد . وي به عنوان يك حاج خانم ايراني به حلب و دمشق آمده ، آنگاه همراه محمل شام عازم حج شده است .

يك صفحه كامل نقشه اوليا چلبي ؟ ؟ ؟

105

يك صفحه كامل نقشه سفرنامه عياشي ؟ ؟ ؟

106

يك صفحه كامل نقشه بانوي اصفهاني ؟ ؟ ؟

107

شيخ علي جبل عاملي ( 1003/1103 ) در سال سه بار به زيارت حج مشرف شد كه يك مورد آن در 1033 از راه شام بود . در اين سفر شيخ حر عاملي هم با آنان همسفر بود . او مي گويد : كاروان شام دو گروه بودند ؛ مقاطره و شعاره . مقاطره كساني بودند كه سواره حركت مي كردند و شعاره افرادي بودند كه در جلو و عقب و چپ و راست سواره ها ، پياده مي رفتند . شيخ حر و شيخ علي جبل عاملي نيز شعاره بودند . ( 1 )

معصوم بيگ نيز كه پيش تر از او ياد كرديم ، از مسير شام به سمت حجاز حركت كرده بود .

در سندي كه در خصوص راه معصوم بيگ ، خطاب به بيگلربيگي وان نوشته شده ، چنين آمده است :

« معصوم بيگ در مسير حركت خود از وان به شهرهاي دياربكر ، حلب و شام ، از ظلم و آزار مردم بر حذر داشته شده ، جهت تأمين خورد و خوراك وي ، سربازاني كاملاً مسلح به همراهش فرستاده شود . »

DM/7/1,S . 913, 2502, ( 27/Ca/976 )

پيش تر اشاره شد كه عثماني ها از روابط ميان حجاج شيعه ايراني با شيعيان ساكن در قلمرو عثماني ، در حين عبور از مسير حج ، بسيار هراسان بودند . از اين رو ، عثمانيان مسير بغداد ـ بصره را در زمان هاي مختلف براي حجاج ايراني ممنوع مي كردند و ايرانيان را مجبور مي كردند تا از راه رسمي حج ؛ شام ، قاهره و يمن به مكه بروند . به خصوص با مرگ شاه طهماسب ، گذرگاه لحسا نه تنها بر روي حجاج ايراني ، بلكه براي تمامي حجاج مسدود شد . با وجود مسدود شدن اين راه ، دولت عثماني نتوانست از ورود جاسوسان صفوي به قلمرو عثماني ممانعت به عمل آورد . در سندي به تاريخ 989 ، از مورد اتهام به جرم خريد فرماندهان عثماني در طول مرزهاي اين دولت با صفويان و ايجاد اغتشاش در بين زائران مكه در مراسم حج سخن به ميان آمده است . DM42/175/558,988

3 . مسير بغداد

از سمت بغداد دو راه براي حج بود ؛ يكي به راه جبل از كوفه با گذري از بيابان طولاني ميان سوريه و عراق به مكه و ديگري از طريق موصل و حلب در حاشيه فرات شمالي و سپس مسير به سمت غرب مي رفت و به حلب و شام رسيده ، از آنجا همراه محمل شام به مدينه مي رسيد .

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . مقالات تاريخي ، دفتر12 ، چند گزارش از سفرهاي حج دوره صفوي ، رسول جعفريان ، انتشارات دليل ما ، 1382 ، قم ، ص265

108

حاجياني كه از ايران مي آمدند ، همگي سفر حج خود را با زيارت نجف و كربلا همزمان انجام مي دادند .

خاتون آبادي ، تعداد مسافراني را كه از راه عتبات به حج رفته بودند ، ذكر مي كند :

در سال 1115هـ . ميرزا محمد حكيم باشي ، ميرزا محمد وزير تقي و جمعي اكثر از اعاظم به زيارت عتبات عاليات رفتند و پسرهاي ، اعتمادالدوله سه نفر و ميرزا حسن صاحب رقم زوار و حجاج قريب به ده هزار نفر رفتند . ميرزا ابوالحسن مستوفي الممالك نيز در اين سال رفت . در اين سال فاضل مدقق ، صاحب فطرت عاليه شيخ محمد جعفر كمره ، شيخ الاسلام اصفهان سفر نمود . با اتفاق محمود آقا رفتند . در كرمانشاه بيمار شد و در امام موسي چاق شد و باز در آنجا نكس كرده به كربلا رفت و از آنجا متوجه نجف اشرف شد و در دو فرسخي نجف اشرف به رحمت خدا رفت .

باتوجه به نزديكي جغرافيايي ، زائران زيادي از ايراني ها به عتبات در عراق مي رفتند . طبعا تعداد حجاج ايراني به نسبت زائران نجف و كربلا اندك بود . براي همين در اسناد عثماني هم بسيار بيشتر از زائران اين دو شهر در مقايسه با حجاج سخن به ميان آمده است . كساني كه به حج مي رفتند طبعا عتبات را هم زيارت مي كردند و هر اندازه عثماني ها تلاش كردند تا در سفر حج مانع از زيارت شهرهاي نجف و كربلا از طرف حجاج ايراني شوند ، ليكن موفقيتي در اين باره كسب نكردند .

در حكمي به تاريخ 976 ، خطاب به بيگلربيگي شام چنين آمده است :

بعضي از افراد طايفه عجم با وجود آن كه از راه شام به حج رفته بودند ، در بازگشت به قافله مدينه ملحق شده و به مدينه رفته اند . از آنجا نيز با گرفتن راهنما از راهي ممنوع ـكه بايد همان راه جبل باشدـ به بغداد عزيمت نموده اند . در اين خصوص دقت فراوان مبذول گشته ، به كسي از طايفه عجم اجازه سفر از راه مذكور داده نشده ، در مورد استفاده و يا عدم استفاده طايفه عجم از راه مزبور تحقيق به عمل آيد . »

109

DM . 7/2,s . 980/2717, ( 11/R/970 ) asli18

مادر شاه اسماعيل دوم در سال 984 به سفر حج رفته و به احتمال زياد قبل از رفتن به حج ، كربلا و نجف را نيز زيارت كرده است .

وظيفه اصلي دربارياني كه به شهرهاي كربلا و نجف مي آمدند ، پخش صدقات بود ، كه بدينوسيله ايشان نفوذ و قدرت خود در منطقه را نشان مي دادند . اين همان كاري بود كه حاكمان كشورهاي سني در حرمين انجام مي دادند .

2MD6,s . 313/665 ( 972 ) ( asli danisgahta )

بغداد به احتمال زياد به عنوان منطقه اي حساس تلقي مي شد . از اين رو ، دولت عثماني كنترل حجاج ايراني را كه به اين شهر مي آمدند ، در صدر مهمات خود قرار مي داد . اين موضوع را در حكمي كه در اختيار داريم ، مشاهده مي كنيم :

حكم به بيگلربيگي بغداد

دو نفر از نمايندگان شاه كه از « يوكاري جانب » آمده اند ، هدف رفتن در هر راهي را كه داشته باشند ، بدان سمت فرستاده شوند . به زواري كه قصد زيارت مشهد ائمه را دارند و به دو فردي كه از جانب شاه صدقه آورده اند ، تا زماني كه بتوانند صدقات را به مستحقان و فقراي مشهدين شريفين برسانند ، اجازت داده شد ليكن در خصوص امارت ايشان و پخت طعام در صبحگاهان و شامگاهان رضايت ندارم . مگر نه آن است كه زيارت اماكن مقدسه وقت و زماني معين دارد . زائران بيش از حد معين در مشهدين نمانده و به موطن خويش بازگردانده شوند .

قزلباش هايي به نيت زيارت مشهدين شريفين و حج شريف آمده و همراه خود جنازه اي را براي دفن در آنجا آورده اند . اگر فرد در گذشته ، از انساب و اولاد و ازواج شاه باشد ، مانعي بر اين كار نيست . زائران ايراني از گذرگاهي كه در عهدنامه اي ميان دولت عثماني و حكومت ايران معين شده ، خارج نشوند . DM6,17/39, ( 972 ) a

در فرماني ديگر مربوط به زمان قانوني سلطان سليمان و خطاب به بيگلربيگي بغداد آمده است :

110

« مكتوب فرستاده و در خصوص معامله با حجاج ايراني سؤال شود ، حجاجي كه قصد مكه دارند ، به بغداد نرفته با الحاق به قافله شام ، از راهي ديگر عزيمت نموده ، آناني كه نيت زيارت مشهدين را دارند ، در زماني معين آمده ، چند روزي اقامت كرده ، نذور خويش را توزيع كرده و به سرزمين خود مراجعت كنند . به دفن هيچ كس در داخل حرم اجازه داده نشده ، در خارج حرم نيز غير از خويشان و اولاد شاه كسي دفن نگردد . اين احكام موافق مفاد عهدنامه عثماني و صفويان است .

2 DM24, 43/124, ( 29/Za981 )

موضوع ديگري نيز كه در اين حكم مطرح شده ، ممنوعيت ورود به قلمرو عثماني در زمان غير موسم حج . عزيمت تمامي حجاج در زمان هايي كه از قبل تعيين شده مجاز است و مأمورين عثماني از رسيدن حجاج آگاهي يافته و براي استقبال از ايشان در سرحدات عثماني آماده اند . لازم بود تا از اين پس حجاج ايراني از طريق مناطق غير مسكوني به سمت مكه هدايت شوند .

زماني هم كه عبور از مناطق مسكوني اجتناب ناپذير مي شد ، ارتباط و تماس ايشان با ساكنان منطقه تا حد ممكن محدود مي شد .

در باره راه جبل ، اسناد زيادي در اختيار داريم كه دولت عثماني به دليل آن كه نمي توانست راه جبل را كنترل كند ، آن را به روي حجاج ايراني بسته بود . پيش از اين ، چند سند از اين نمونه نقل شد . در اينجا باز اسناد ديگري را ارائه مي كنيم . در حكمي به بيگلربيگي بصره آمده است :

« پيش تر ، به كرّات احكام شريف نوشته شده ، مسدود شدن راه هاي بغداد به مكه و عدم عزيمت حجاج از اين راه ها ـ يعني راه جبل ـ امر شده است . با اين حال در مخالفت با اين امر شريف ، محمد عثمان از اعراب بصره ، به عنوان امير حج تعيين و قافله حج مشتمل از عجم و عرب را گرفته ، خبر عزيمت آنان از اين طريق به ما رسيد .

همين طور در حكم به امير محمد عثمان آمده است :

در حالي كه مسير شام براي حج در نظر گرفته شده است و براي تأمين

111

فقرا و مسافران در اين مسير ملزومات مقتضي فراهم آمده ، شنيده مي شودكه از مسيرهاي مختلفي از جانب بصره براي رفتن به حج مورد استفاده قرار مي گيرد . اين راه ها براي هميشه مسدود گشته و ديگر راهي مغاير امر احداث نگردد . سد اين بدان جهت است كه از طائفه جم كسي در اين مسير تلف نشده و وضعي مغاير با عهدنامه صلح پديدار نشود . حجاج به همين صورت نبايستي از اين طريق عزيمت نمايند . » ( 1 )

DM12/1,2 . 429 . 827, ( 22/Ra/979 ) aDM/12/1,467,896 ( 7/Ra/979 ) a

4 . مسير بصره

وقتي از مسير بصره سخن مي گوييم بايد توجه داشته باشيم كه مقصود دو راه است :

يكي ، راه خشكي كه از شرق به غرب ، عرض بيابان شمال جزيرة العرب طي شده و كاروان به مدينه يا مكه مي رسد و در جايي با راه جبل تلاقي مي كند .

دوم ، راهي است كه از حاشيه خليج فارس به سمت جزيرة العرب رفته و به راه لحسا شهرت دارد . اين مسير از حوالي رياض مي گذرد و به سمت حجاز مي رود .

راه ياد شده تا اين اواخر به عنوان راه خشكي مورد استفاده زائران ايراني بود و در حال حاضر ماشين سواران مناطق حاشيه اي خليج فارس از آن براي رفتن به رياض و حج استفاده مي كنند .

مناسبت ترين راه براي بيشتر حجاج ايراني ، سفر به بغداد و از آنجا به شهر بصره بود .

اين راه در قرن دهم هجري ، از نظر عثماني ، راه مطلوبي نبود . تأثير مناقشات موجود ميان دو امپراتوري مسلمان بر روي حجاجي كه از قلمرو ايراني به حج آمده بودند ، بسيار متفاوت تر بود .

يكي از اين مسائل ، مربوط به راه بصره بود كه دشواري هاي زيادي داشت و غالباً بسته بود و حجاج مجبور بودند از راه ديگر بروند .

دليل مسدود شدن مسير بصره آن بود كه در بين اين راه ، گروه هاي بدوي ساكن بودند كه عثمانيان هيچ كنترلي بر روي آنان نداشتند و دولت نيز از توافق ايشان با حكومت صفوي در زمان حج واهمه داشت .

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 .

112

از طرف ديگر امپراتوري عثماني مي بايست به خواسته هاي بزرگان بصره ، كه بندر استراتژيك بصره را در كنترل خود داشتند ، توجه مي نمود ؛ زيرا بسته شدن راه بصره ضربه هاي اقتصادي زيادي متوجه آنان مي كرد . عثمانيان رفت و آمد حجاج از اين مسير را ، هر از گاهي ممنوع مي كردند كه سبب اين امر هم عدم تضمين سلامت حجاج اين مسير از طرف عثمانيان بود .

هيچ يك از فرامين عثماني ، بسته شدن راه بصره به تلافي مشكلات ايجاد شده براي حجاج آسياي ميانه را ادعا نمي كند ، ليكن نقش اين مسائل را نيز نمي توان از نظر دور داشت .

اما راهي كه عثماني ها به عنوان جايگزيني براي مسير فوق در برابر حجاج ايراني قرار داده بودند ، بسيار پر مخاطره و ترسناك بود .

در حكمي به تاريخ 978 ، نگراني هاي حاكمان عثماني در خصوص اين راه آورده شده و دليل مسدود شدن آن ، سلب آسايش حجاج از جانب قزلباش ها خوانده شده ، كه در ساحل خليج فارس مرتكب شرارت ها مي شده اند و جلوگيري از اعمال آنان بيان گرديده است . با تمام حسن نيت ، متضرّرين اصلي ، مسدود شدن اين راه را نيز حجاج مخلص مي دانند .

1DM14, . 385 . /542 ( 978 ) a

در حكمي به بيگلربيگي لحسا آمده است :

« از آنجا كه از لحسا تا مكه 20 روز راه است و بيشتر حجاج بدان خاطر اين راه را ترجيح مي دهند . علي رغم تحصيل ماليات ميري فراواني ، حجاج عازم از اين مسير ، طواف كعبه بدون اجازت پادشاه را جايز ندانسته و فايده اي در آن نمي بينند . از اين رو ، علما تقاضا كرده اند تا نسبت به تردّد حجاج از اين راه ، فرمان صادر گردد . تحقيق شود كه آيا در صورت صدور اجازت تردّد ، احتمال دارد كه افرادي از قزلباش ها آمده ، در ميان حجاج وارد شوند . در صورتي كه اين احتمال وجود ندارد ، مسير مناسب براي حركت حجاج به صورت مشروح و مفصل اعلام شود . »

DM14,s385/542 ( 27/R/978 )

گذرگاه بصره كه از لحسا مي گذرد ، در زمان هاي مختلف به سبب هاي سياسي ، باز و مسدود مي شد . اوليا

113

چلبي در توصيف حج خود ، در سال1083 ، از حجاجي كه از بصره آمده بودند ، بحث مي كند . اينان حجاجي بودند كه از راه شام نرفته و از گذرگاه بصره عزيمت مي نمودند . در حكمي به بيگلربيگي لحسا آمده است : با عبور رافضياني كه با لباس مبدّل و به بهانه حج از مرز گذشته و تا حرم پيش آمده اند ، مساعدت به عمل نيايد .

صورتي از همين حكم به بيگلربيگي بصره فرستاده شد . »

MD42,176/554 ( 28/Z/989 ) a

و در حكم ديگري به بيگلربيگي لحسا آمده است :

« از آنجا كه عزيمت به مكه از جانب لحسا اكيداً ممنوع شده ، حجاج از طرف شام به حج بروند . »

MD42, 282/868 ( 27/CA/989 ) a4

باز در حكمي ديگر به بيگلربيگي لحسا آمده است :

« لغو اخذ يك فلوره از حجاج مكه ، از جانب بيگلربيگي موجب خرسندي و ممنوعيت باشد . حجاج بيت الله از راه شام به مكه فرستاده شوند . »

DM27,115-271 ( 24/S/983 ) a

حكم به بيگلربيگي بصره و لحسا :

« اگر كسي از آن جانب قصد حج نمايد ، اذن داده نشده ، راه مسدود گردد و متقاضيان عزيمت از راه شام و مصر به مكه بروند . »

DM6/1,S . 200,761/2 ( 5/S, 972

اسنادي وجود دارد كه براساس آن ، راه بصره بعدها باز شده و حجاج از آن رفت و آمد نموده اند .

در حكم به بيگلربيگي بصره آمده است :

« اگرچه مردم بصره براي رفتن به مكه اجازه عبور از بيابان هاي بصره را طلب كرده اند ، ليكن اين راه به دلايلي ديگر منع شده و از طريق شام عزيمت نمايند .

صورتي به بيگلربيگي بغداد و لحسا ارسال شود » . DM43,114/211 ( 27/Ca/9A

حكم به بيگلربيگي بصره :

هرچند از زمان فتح بصره تا به حال ، حجاج از اين مسير رفت و آمد كرده اند ، از

114

چند سال پيش به دليل نبود اجازت ، خلق مضطرب شده و تجارت معطل گرديد . اعيان ، ائمه و خطباي بصره تقاضاي باز شدن مسير بصره را كردند ، ليكن باز شدن اين راه به منزله ايجاد فرصتي براي « يوكاري جانب » نيز بوده و به همين دليل از رفت و آمد حجاج از طريق مساعدت شود .

مسدود شدن اين راه ، كسب درآمد مردم منطقه و دولت عثماني از ماليات هاي لحسا را ، كه مهمترين بندر دولت عثماني در اين منطقه به شمار مي آيد ، با مشكل مواجه كرده است .

درخصوص حجاج نجد حكمي در اختيار داريم :

حكم به بيگلربيگي لحسا :

« شيخ عيسي ، رييس قلعه ديليم ، شيخ قلعه دراگنه و حسين ، شيخ قلعه سليميه و احمد ، شيخ قلعه ملتم كه درباره بردن و بازپس آوردن حجاج نجد در امنيت و سلامت تعهد دارند ، مورد تحقيق و تفحص قرار گيرند . » DM23,163/341

محمدتقي مجلسي ( 1070 ـ 1003 ) در سال 1041هـ . به حج رفت . او به راه بصره از مسير خشكي لحسا حركت كرد . او در كتاب خود مي نويسد :

« در آن سال امير بصره روز حركت كارها كرده بود كه در مقام قتل و نهب عجم برآمد . چون راه مكه مسدود شده بود و اين ضعيف ، سعي ها نمود در رفع آن و چون متوجه اين راه شديم ، در منزل اول باران عظيم آمد . »

مرحوم محمد تقي مجلسي مي گويد :

« با خواندن آية الكرسي ، حمله اعراب را دفع مي نموده است ؛ به طوري كه باراني از آسمان آمد ، ياغيان وحشت زده شده ، گريختند . » ( 1 )

حكم به بيگلربيگي بصريا :

« از آنجا كه سيد سجاد حاكم مصححه از توابع ايران ، بعضي از اعراب اهل فساد را ، كه در ميان بصره و بغداد قطع طريق مي نمودند ، به حاكمان و بيگلربيگي بغداد مكتوب فرستاده ، هفتاد تن را محبوس نموده كه اكثر ايشان در حبس جان

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . خاطرات سفر حج محمد تقي مجلسي ، صفويه در عرصه دين ، فرهنگ و سياست ، رسول جعفريان ، انتشارات پژوهشكده ، جلد سوم ، ص105

115

سپرده اند . »

5 . مسير دريا

بعضي از حجاج ايراني كه عموماً از سياحان و علما تشكيل مي شدند ، مسير هند را براي رفتن به مكه ترجيح مي دادند . آن ها با حركت از اين مسير ، به قصد حج اندكي راه طولاني مي كردند ، ليكن با گذر از اين راه ، با علما و دانشمندان هندوستان نيز ملاقات مي نمودند . همچنين اماكن مهم هندوستان را هم بازديد مي كردند . علاوه بر اين ، اتباع ايراني مقيم هندوستان نيز همان مسير را براي رفتن به حجاز بر مي گزيدند .

سفر حج دريايي كه به طور مستقيم از ايران مثلاً از طريق يكي از بنادر جنوب ايران هم باشد ، بوده تا اوايل قاجار ايرانيان و خراسانيان از اين راه استفاده مي كردند . بندر صورت بندر حجاج بود و در خليج فارس هم بندر عباس و بندر بوشهر بود .

محمد سعيد مشيزي در ششم شعبان سال 1089هـ . به حج رفت . از باغ شاه آباد ( كرمان ) حركت كرده و به بندر كنگ كه بندري ايراني بود رسيد . از آنجا با عبدالشيخ كنگي در 6 ذي القعده داخل بندر قنفذه ، كه از بنادر حجاز است ، شده و به مكه معظمه رفتند .

آن ها بعد از حج گزاري تصميم گرفتند تا از راه شام به ايران بازگردند ، با يكديگر در اين باره استشاره مي نمودند كه چون راه شام مأمورين تمام داشت ، از آن راه بروند . كسان ديگر اين نظر را نپذيرفتند و گفتند كه از راه لحسا نزديكتر به وطن است . در نهايت تصميم بر آن شد تا از راه لحسا بازگردند . ( 1 )

در سال 1115هـ . ميرزا ربيع مستوفي ، خاصه در ماه رجب المرجب ، متوجه سفر حج بيت الله الحرام شد و از راه بندر كنگ و مخا عازم حجاز گشت . ( 2 )

بندر كنگ در آن دوره بندري بود كه ايرانيان از آن براي عزيمت به حجاز استفاده مي كردند .

پي نوشت ها

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . سفر به مكه ، دشواري هاي آن از زمان محمد سعيد مشيزي ، مقالات تاريخي ، دفتر دوازده ، رسول جعفريان ، انتشارات دليل ما ، 1382 ، قم ، ص271

2 . وقايع السنين ، خاتون آبادي ، انتشارات اسلاميت .